شبکه الجزیره به بهانه تحولات اخیر در تحلیلی به ناکامی تحقق پیش بینی‌های چند دهه ای غرب برای فروپاشی جمهوری اسلامی پرداخت

واقعیت ایران؛ تاب آوری است نه زوال

تحلیل

سامی العریان
مدیر مرکز مطالعات اسلامی و جهانی دانشگاه صباح الدین در ترکیه

بیش از نیم قرن است که نوشته‌های استراتژیک غربی پیوسته یک شکل ادبی خاص را ایجاد کرده‌اند: نوشتن آگهی‌های ترحیم پیش از وقوع واقعی مرگ. از ایران و گواتمالا در دهه ۱۹۵۰ تا شیلی در سال ۱۹۷۳ و سپس عراق در سال ۲۰۰۳، زبان به ندرت تغییر می‌کند: «حکومت در حال پوسیدن است»، «نخبگان در حال تجزیه هستند»، «فروپاشی به تدریج در حال وقوع است و سپس ناگهان سقوط خواهد کرد.» این روایت‌ها فرض می‌کنند که تاریخ در کنار کسانی است که مرگ آن را پیش‌بینی می‌کنند.

مقاله افشون استوار، استاد دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ایالات متحده که در ژانویه ۲۰۲۶ در نشریه فارن افرز منتشر شد، در مورد چگونگی فروپاشی حکومت ایران، به وضوح به این سنت تعلق دارد.

اگرچه این اثر به عنوان یک تحلیل بی‌طرفانه ارائه شده، اما اساساً متنی سیاسی است و در زمره مجموعه‌ای طولانی از نوشته‌ها قرار می‌گیرد که هدف‌شان درک جوامع غیرغربی در تضاد با غرب، به‌ویژه ایالات متحده نیست، بلکه در پی فراهم کردن زمینه اخلاقی برای عاری کردن آنها از انسانیت‌شان، به منظور آماده‌سازی برای برچیدن آنهاست.

این متون نه تنها روابط قدرت را توضیح می‌دهند، بلکه استفاده از آنها را علیه طرف‌های ضعیف‌تر نیز مجاز می‌دانند. آنها تحریم‌ها، بی‌ثبات‌سازی، کودتاها و جنگ‌ها را مشروعیت می‌بخشند.

فروپاشی به عنوان یک تکنیک سیاسی

پیش‌بینی فروپاشی رژیم‌ها یک پیش‌بینی بی‌طرفانه نیست، بلکه ابزاری برای کنترل است. این پیش‌بینی، دولت‌ها را قبل از هرگونه اقدامی، نامشروع جلوه می‌دهد، دولت‌ها را یاغی، قانون‌شکن یا تروریست معرفی می‌کند، به مردم داخلی اطمینان می‌دهد که فشار مؤثر است و اقدامات قهری - مانند خفقان اقتصادی، عملیات مخفیانه، حملات نظامی و تغییر رژیم - را به عنوان پاسخ‌های مشروع به یک سیستمِ ظاهراً در حال مرگ، عادی جلوه می‌دهد.

این الگو قدیمی است. در سال ۱۹۵۳ کرمیت روزولت، افسر سیا، دولت محمد مصدق در ایران را در آستانه فروپاشی ظرف چند روز توصیف کرد، پیش از آنکه عملیات آژاکس را ترتیب دهد که منجر به سرنگونی نخست‌وزیر منتخب دموکراتیک و بازگرداندن شاه به قدرت شد.

در سال ۱۹۷۰ هنری کیسینجر ماه‌ها قبل از تصویب طرح بی‌ثبات‌سازی، نسبت به «پوسیدگی» حکومت سالوادور آلنده در شیلی هشدار داد و راه را برای کودتای نظامی هموار کرد.

در سال ۲۰۰۲، نخبگان سیاسی و اطلاعاتی آمریکا ماه‌ها پیش از حمله به عراق با عملیات نظامی مبتنی بر مفهوم «شوک و بهت»، فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم صدام را پیش‌بینی کردند. در سال ۲۰۱۱، تحلیلگران غربی هفته‌ها پیش از آنکه ناتو بمباران لیبی را برای سرنگونی حکومت آغاز کند، رهبری این کشور را اهریمنی جلوه دادند.

روایت‌های فروپاشی، تاریخ را پیش‌بینی نمی‌کنند، بلکه مقدم بر مداخله هستند. آنچه مقاله استوار را به طور خاص افشا می‌کند، انتقاد او از رهبری ایران نیست، بلکه تقریباً حذف کامل مسئولیت غرب در قبال واقعیت ایران است.

در این روایت‌ها، بحران ایران به عنوان یک فرآیند خودویرانگر ناشی از فساد، سرکوب، تضاد نسلی و فرسودگی ایدئولوژیک ارائه می‌شود. با این حال، تحریم‌ها فقط به صورت گذرا مورد اشاره قرار می‌گیرند. دهه‌ها تلاش برای بی‌ثبات‌سازی، از جمله جنگ اقتصادی، ترورهای سیاسی، تلاش برای فروپاشی دولت بر اساس خطوط قومی، حملات سایبری، عملیات مخفی، انزوای دیپلماتیک و سیاست‌های تغییر رژیم آشکار، نادیده گرفته می‌شوند. این یک سهل‌انگاری تصادفی نیست؛ بلکه یک طراحی استراتژیک برای سیاست تغییر رژیم با کمترین هزینه است.

محاصره اقتصادی به طور مداوم مطالبات اجتماعی را به ابزارهای استراتژیک خارجی برای دستکاری و فشار سیاسی تبدیل کرده است، نه به مسیرهای اصلاحات واقعی.

ساختار محاصره و فشار ایران

از سال ۱۹۷۹ ایالات متحده اهداف آشکار تغییر رژیم در ایران را دنبال کرده است. در دهه ۱۹۸۰ واشنگتن از حمله صدام حسین به ایران حمایت کرد و حتی زمانی که رژیم از سلاح‌های شیمیایی علیه مخالفان خود استفاده می‌کرد، پوشش اطلاعاتی و سیاسی در اختیار او قرار داد.

در سال ۱۹۸۸ نیروی دریایی ایالات متحده پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر را سرنگون کرد و ۲۹۰ غیرنظامی را کشت. در سال ۱۹۹۶ کنگره تحریم‌هایی علیه ایران و لیبی تصویب کرد که انزوای اقتصادی ایران را تشدید کرد و همزمان تنش‌های قومی و تمایلات جدایی‌طلبانه‌ای را که لفاظی‌های غربی پیوسته تشویق می‌کرد، دامن زد.

در سال ۲۰۰۶ واشنگتن جنگ مالی چندجانبه خود را تشدید کرد و ایران را از سیستم‌های بانکی جهانی قطع کرد. از سال ۲۰۰۹، سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل با استفاده از ویروس استاکس‌نت عملیات خرابکاری سایبری انجام داده و به تأسیسات نطنز و سایر سایت‌های هسته‌ای آسیب رسانده‌اند. در همین دوره، چندین دانشمند هسته‌ای ایران در سراسر کشور ترور شدند.

در سال ۲۰۱۸ دولت ترامپ با وجود پایبندی مستند ایران به توافق هسته‌ای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از این توافق خارج شد و تحریم‌های «فشار حداکثری» را اعمال کرد. بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، ایران صدها میلیارد دلار درآمد نفتی و دسترسی به بازارهای جهانی را از دست داد. در ژانویه ۲۰۲۰، ایالات متحده ژنرال قاسم سلیمانی، معمار استراتژی بازدارندگی منطقه‌ای ایران را در بغداد ترور کرد.

کشورهای کمی در تاریخ مدرن در برابر فشارهای مشابه بدون فروپاشی مقاومت کرده‌اند. انسجام سیاسی مداوم ایران در سال ۲۰۲۶ گواهی بر زوال نیست، بلکه نشان‌دهنده تاب‌آوری نهادهایی است که تحت محاصره و فشار مداوم ساخته و تقویت شده‌اند.

فلسطین به عنوان یک مرکز استراتژیک

مقاله استوار این سؤال را مطرح نمی‌کند که چرا برخی از نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌ای واشنگتن، مانند برخی رژیم‌های منطقه‌ای که ده‌ها هزار زندانی سیاسی دارند، مشمول ادبیات «فروپاشی رژیم» نمی‌شوند. همچنین به برخی دیگر از متحدان منطقه‌ای خود که در آنها مخالفت سیاسی جرم تلقی می‌شود و احزاب مخالف ممنوع هستند، نمی‌پردازد. این کشورها از نظر غرب کاندیدای تغییر رژیم نیستند، زیرا عامل تعیین‌کننده در این موارد سرکوب یا فساد نیست، بلکه موضع‌گیری در مورد مسأله فلسطین است.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ ایران تنها قدرت بزرگ منطقه‌ای بوده که مقاومت فلسطین را در مرکز استراتژی منطقه‌ای خود قرار داده است. پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، ایران به تشکیل حزب‌الله کمک کرد که اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان در ماه مه ۲۰۰۰ کرد.

در سال ۲۰۰۶، حزب‌الله در جنگی ۳۳ روزه اسرائیل را شکست داد و افسانه برتری نظامی اسرائیل را درهم شکست. از اوایل دهه ۱۹۹۰، ایران پس از آنکه پیمان اسلو مقاومت مسلحانه را به حاشیه راند، از حماس و جهاد اسلامی حمایت کرده است. پس از پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶، ایران به غزه کمک کرد تا در برابر محاصره همه‌جانبه اسرائیل که در سال ۲۰۰۷ اعمال شد، مقاومت کند.

از سال ۲۰۱۲، فناوری موشکی ایران برای اولین بار از غزه به شهرهای اسرائیل رسیده است. پس از حمله اکتبر ۲۰۱۳ حماس که با جنگ ویرانگر اسرائیل علیه غزه مواجه شد، ایران از طریق حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و گروه‌های مسلح در عراق، موضع بازدارندگی منطقه‌ای خود را تقویت کرد. ایران به دلیل آنچه سرکوبگری خوانده می‌شود، هدف قرار نمی‌گیرد، بلکه به این دلیل هدف قرار می‌گیرد که مانع از هژمونی منطقه‌ای اسرائیل می‌شود و به حاشیه راندن مداوم آرمان فلسطین را رد می‌کند.

تحلیلگران غربی بارها فروپاشی ایران را در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ پیش‌بینی کردند. هر بار، آنها فروپاشی را «قریب‌الوقوع» می‌دانستند و هر بار دولت در برابر این هجوم مقاومت کرد و حکومت سقوط نکرد.

غزه و فروپاشی اقتدار اخلاقی

جنگ اسرائیل علیه غزه، ساختار نظم منطقه‌ای را با وضوح بی‌سابقه‌ای آشکار کرده است. بین اکتبر ۲۰۲۳ و ژانویه ۲۰۲۶، کمترین تخمین‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ هزار فلسطینی کشته و بیش از ۱۷۰ هزار نفر زخمی شده‌اند.

تمام محله‌های غزه، خان یونس و رفح ویران شدند. بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، کلیساها، اردوگاه‌های پناهندگان، بازارها و زیرساخت‌های غیرنظامی به طور سیستماتیک هدف قرار گرفتند.

در ژانویه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری حکم داد که رفتار اسرائیل احتمالاً کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی را نقض کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد بارها خواستار آتش‌بس شد، اما ایالات متحده بارها قطعنامه‌ها را وتو کرد و آلمان نیز کمک‌های مالی به آنروا را به حالت تعلیق درآورد.

هم ایالات متحده و هم بریتانیا به صادرات سلاح ادامه دادند. رژیم‌های عربی روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کردند، در حالی که در مواجهه با غزه فلج و ناتوان باقی ماندند. هیچ سخنرانی در این دوره خواستار تغییر رژیم در تل‌آویو نشد؛ در عوض، از تهران خواست که خویشتنداری کند. این گفتمان، کشتار جمعی را زمانی که عامل آن متحد باشد تحمل می‌کند، در حالی که مقاومت را به هر شکلی محکوم می‌کند. غزه یک استثنای بشردوستانه نیست؛ این اصل سازماندهی یک نظم ناعادلانه بین‌المللی است که ماهیت واقعی آن آشکار شده است.

سابقه‌ای از پیش‌بینی‌های شکست‌خورده

استوار اصرار دارد که ایران صرفاً از طریق سرکوب حکومت می‌کند و مشروعیت خود را از دست داده است. با این کار، او جامعه‌شناسی کشورهای انقلابی را نادیده می‌گیرد. ایران از دل یک انقلاب مردمی گسترده در سال ۱۹۷۹ ظهور کرد که سلطنت تحمیل شده توسط کودتای تحت حمایت سیا در سال ۱۹۵۳ را سرنگون کرد. همچنین درگیر یک جنگ هشت ساله وحشیانه با عراق شد که جان بیش از نیم میلیون ایرانی را گرفت. بنابراین، نهادهای آن به طور خاص برای جلوگیری از کودتاهای نظامی و مداخله خارجی طراحی شده‌اند.

این نهادها نمی‌توانند بر اساس ادعاهای ظلم و ستم بنا شوند، بلکه بر اساس حافظه تاریخی از تهاجم، هدف قرار دادن مستقیم، تلاش برای تحقیر و خیانت و همچنین توانایی استقامت بنا شده‌اند. فشار خارجی، انسجام داخلی را بیش از آنکه تضعیف کند، تقویت می‌کند. میهن‌پرستی ملی و عزم راسخ برای حفظ استقلال و حاکمیت، همواره بر تلاش‌ها برای دستکاری و دخالت خارجی غلبه می‌کند. خطای تحلیلی اساسی افشون استوار در این فرض او نهفته است که تکه‌تکه شدن نخبگان به طور خودکار مقدم بر فروپاشی در کشورهای محاصره شده و هدف قرار گرفته است. با این حال، تاریخ خلاف این را نشان می‌دهد. تحت فشار خارجی مداوم، نخبگان تمایل به تحکیم خود دارند. برای بازیگران داخلی، فروپاشی فرصتی برای آزادی نیست، بلکه یک تهدید وجودی است.

نهادهای حکومتی ایران به عنوان ترتیبات تابع دولت مرکزی ساخته نشده‌اند، بلکه به عنوان سیستم‌های دفاعی ساخته شده‌اند که از طریق انقلاب، جنگ و درگیری با تهدیدات وجودی شکل گرفته‌اند. عدم وجود تکه‌تکه شدن ظاهری مقدمه‌ای برای فروپاشی نیست؛ بلکه گواهی بر نقص خود مدل تحلیلی غربی است.

آرشیو مداخله و بلایا

استوار مداخله آمریکا را به عنوان مسیری ممکن برای تحقق آرمان‌های دموکراتیک خیالی غرب ارائه می‌دهد. اما سابقه روشن است: عراق پس از سال ۲۰۰۳ درگیر جنگ فرقه‌ای شد، لیبی پس از سال ۲۰۱۱ برای همیشه تکه‌تکه شد و افغانستان پس از ۲۰ سال اشغال، به حکومت طالبان بازگشت.

اینها موارد نادری نبودند؛ بلکه نتایج مورد انتظار دکترینی بودند که تخریب و برچیدن دیگری را به نفع یک تحول مصنوعی لیبرال غربی خارج از محیط پرورش آن، با هم ترکیب می‌کند.

جنگ با ایران، خلیج فارس را به آتش خواهد کشید، بازارهای جهانی انرژی را بی‌ثبات خواهد کرد و اقتدارگرایی را در منطقه تثبیت خواهد کرد، در حالی که همان روایتی را که حکومت ایران بر آن بنا شده است، تقویت خواهد کرد.

رویکرد فعلی آمریکا و اسرائیل در قبال ایران به طور خودجوش از آشفتگی داخلی ناشی نشده است، بلکه یک استراتژی آگاهانه بود که در اواخر سال ۲۰۱۵، زمانی که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در اقامتگاهش در فلوریدا دیدار کرد، تدوین شد. طبق روایت‌های متعدد منطقه‌ای و غربی، این طرح بر چهار ستون به هم پیوسته استوار است:

اول، تشدید جنگ اقتصادی با هدف فروپاشی پول ملی ایران و سوءاستفاده از تورم و سوء مدیریت اقتصادی برای دامن زدن به ناآرامی‌ها. دوم، نفوذ عناصر آموزش‌دیده در تظاهرات مسالمت‌آمیز مردمی برای تحریک خشونت و سوق دادن نیروهای امنیتی به واکنش‌های افراطی و خشونت‌آمیز. سوم، راه‌اندازی یک کمپین تبلیغاتی هماهنگ برای نشان دادن ایران به عنوان کشوری غیرقابل حکومت و بی ثبات و اینکه فروپاشی اجتناب‌ناپذیر است. چهارم، گزینه مداخله نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل از طریق بمباران هدفمند نخبگان و نیروهای امنیتی در حمایت از یک کارزار بی‌ثبات‌سازی داخلی.

با این حال، این استراتژی قبل از اجرای عنصر چهارم شکست خورد. مقامات ایرانی اینترنت را قطع کردند، هزاران خرابکار را دستگیر کردند و شبکه‌های هماهنگی خارجی را که طبق گزارش‌ها به ده‌ها هزار دستگاه استارلینک متکی بودند، مختل کردند.

تحلیلگران سیاسی و کارشناسان بین‌المللی از جمله جان مرشایمر، اسکات ریتر و آلیستر کروک، اظهار کرده‌اند که نهادهای امنیتی ایران این توطئه را - احتمالاً با کمک روسیه و چین - کشف و قبل از اینکه از آستانه تشدید بحران عبور کند، آن را خنثی کردند. در این زمینه، مقاله استوار بیشتر به یک ساختار روایی نزدیک بود که هدفش عادی‌سازی یک کارزار بمب‌گذاری بود تا یک تحلیل.

فرمانبرداری، نه دموکراسی

این مقاله همچنین ادعا می‌کند که دموکراسی در ایران بدون کودتا یا مداخله خارجی غیرممکن است. این موضوع، حد واقعی اصلاحات قابل قبول را آشکار می‌کند: یک ایران دموکراتیک که همچنان در برابر هژمونی اسرائیل مقاومت می‌کند، برای نخبگان حاکم غربی غیرقابل قبول خواهد بود. اطاعت و فرمانبرداری مطلق، نه آزادی یا حکومت دموکراتیک مردمی، استانداردهای غالب در سیستم غربی هستند. به همین دلیل است که رژیم‌های پس از کودتا در کشورهای متحد غرب پاداش می‌گیرند و به همین دلیل است که رژیم‌های منطقه‌ای متحد با هیچ تحریمی روبه‌رو نمی‌شوند. به همین دلیل است که اسرائیل به خاطر جنگ ویرانگر و سرپیچی از قوانین بین‌المللی پاسخگو نیست. مشکل، سرکوب یا فقدان دموکراسی نیست؛ بلکه در خود مفهوم و عمل مقاومت نهفته است.

ایران تغییر خواهد کرد، اما پیشرفت و تغییر واقعی از مردم آن ناشی خواهد شد، نه از تغییر شکل آن توسط ژنرال‌ها، ارتش‌های خارجی یا روایت‌های فروپاشی. تحول از طریق یک فرآیند پیچیده مذاکره داخلی بین جامعه و دولت، بین مفاهیم اصلاحات، حاکمیت و استقلال ملی، و نه از طریق متون امپریالیستی آماده و تحمیل شده از خارج، حاصل خواهد شد.

وسواس پیش‌بینی فروپاشی ایران، بیشتر فرسودگی یک تخیل امپریالیستی و برتری‌جویانه را نشان می‌دهد. امپراطوری‌ها به دلیل فروپاشی دشمنان‌شان سقوط نمی‌کنند، بلکه به این دلیل سقوط می‌کنند که اقتدار اخلاقی خود را از دست می‌دهند.

غزه منادی چنین لحظه‌ای بوده است. با توجیه نسل‌کشی و فروپاشی قوانین بین‌المللی، چهارچوب فکری بین‌المللی که این امر را ممکن ساخت، در مقابل چشمان جهانیان در حال فرسایش است. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، پیش‌بینی‌های غربی در مورد فروپاشی ادامه خواهد داشت؛ و فلسطین همچنان توضیح خواهد داد که چرا.

منبع: Aljazeera

> تحلیلگران غربی بارها فروپاشی ایران را در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ پیش‌بینی کردند. هر بار، آنها فروپاشی را «قریب‌الوقوع» می‌دانستند و هر بار دولت در برابر این هجوم مقاومت کرد و حکومت سقوط نکرد

> کشورهای کمی در تاریخ مدرن در برابر فشارهای مشابه بدون فروپاشی مقاومت کرده‌اند. انسجام سیاسی مداوم ایران در سال ۲۰۲۶ گواهی بر زوال نیست، بلکه نشان‌دهنده تاب‌آوری نهادهایی است که تحت محاصره و فشار مداوم ساخته و تقویت شده‌اند

بدون روتوش

محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

مقصد گردشگری اسرائیلی‌ها کجاست؟

«در کنار مقاصد آشنا، از زمان توافقنامه ابراهیم در سال ۲۰۲۰، ستاره جدیدی به نقشه گردشگری اسرائیل پیوسته است: دوبی. بزرگترین شهر امارات متحده عربی ترکیبی برنده از آب و هوای عالی در فصل سرما، پروازهای مستقیم و فراوانی جاذبه‌های جهانی، خرید و غذاهای لذیذ. سال گذشته ۱/۱ میلیون اسرائیلی به امارات رفتند.»

این بخشی از گزارش کانال ۱۲ حول گردشگری اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۵ است. قرار گرفتن دوبی با آمار حائز توجه یعنی بیش از یک میلیون سفر، حتماً ذهن‌ها را کنجکاو می‌کند تا به بررسی مقصدها و وضعیت گردشگری اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۵ بپردازد.

براساس آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار تل آویو، در سال گذشته میلادی ۹/۴ میلیون سفر خروجی در اسرائیل ثبت شده است. آماری که برای یک رژیم متشکل از ۹ میلیون جمعیت بسیار عدد قابل توجهی است. این میزان سفر در سال، با آمار ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نزدیک است و کاهش دو سال اخیر را جبران کرده است.

در یادداشت قبلی ستون بدون روتوش به تفکیک دلیل توریست‌هایی که وارد سرزمین‌های اشغالی می‌شدند، اشاره شد و براساس آمار مشخص شد که نیمی از گردشگرانی که به اسرائیل می‌آیند، برای دیدن فامیل و خانواده‌هایشان هستند و پس از آن گردشگری (تفریح) و تجارت به ترتیب با ۱۲ درصد و ۱۴ درصد بیشترین سهم را داشته‌اند.

این قاعده و محوریت بر «یهودیت» در سفرهای خارجی اسرائیلی‌ها هم برقرار است. در سال ۲۰۲۵، ۴۵ درصد سفرهای خارجی اسرائیلی‌ها برای دیدار با خانواده و آشنایان، ۳۰ درصد برای تفریح و ۱۰ درصد برای تجارت بوده است.

اصلی‌ترین مقصدها یونان در رتبه اول با بیش از ۲/۲ میلیون سفر و سپس قبرس، آمریکا و ایتالیا در رتبه‌های بعدی هر کدام با ۱/۵ تا ۱/۲ میلیون نفر مسافر قرار دارند. امارات با رشد عجیب ۸۰ درصدی در یک سال اخیر با ۱/۱ میلیون نفر به لیست مقصدهای اصلی اضافه شده و توجه‌ها را به خودش جلب کرده است.

گفتنی است بخشی از سفر به آمریکا و قبرس برای طولانی مدت اعم از تحصیل، کار یا سکونت موقت در بحران‌ها (بالاخص قبرس) است و تحلیل در خصوص جمعیت آماری سفرها را سخت می‌کند و باید میان آنها با سفر به امارات، ایتالیا، اسپانیا، لهستان، بلغارستان و... که مقصدهای تفریحی اسرائیلی‌ها هستند، تفکیک کرد.

ابلاغ آگهی

بدین‌وسیله به‌اطلاع **پری چهر صیاد ملاشاهی فرزند احمد** پرستار پیمانی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می رساند نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۱۴۰۱ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر انفصال موقت به مدت یک‌سال صادر گردیده و هیچ‌گونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد. لذا مشارالیها درصورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (نوبت دوم)

آتی ساز

شرکت آتی‌ساز (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت اجرای کلیه عملیات مربوط به **"آماده‌سازی معابر اراضی شرکت آتی‌ساز واقع در شهرستان شهریار (اراضی فاما بتن)"** براساس فهرست بهای سال ۱۴۰۴ از طریق مناقصه دو مرحله‌ای اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت و تکمیل اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:

۱- موضوع: آماده‌سازی معابر اراضی شرکت آتی‌ساز واقع در شهرستان شهریار (اراضی فاما بتن)
۲- نوع مناقصه: عمومی دو مرحله‌ای. (مطابق آیین‌نامه معاملات شرکت)
۳- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: تهران- شهرک قدس(غرب)- بلوار خوردین-چهارراه هرمزان شرکت آتی‌ساز و آدرس پروژه: شهریار، فاز یک اندیشه، میدان صیاد شیرازی، اراضی فامابتن.
۴- مدت پیمان: ۱۲ ماه شمسی
۵- نحوه پرداخت: به‌صورت ۶۰٪ تهاتر از سبد املاک آتی‌ساز و ۴۰٪ نقدی و به این قرارداد پیش پرداخت تعلق نمی‌گیرد.
۶- سپرده تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۷۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ریال (کپی تضمین شرکت در مناقصه روی پاکت اصلی چسبانده شود).
۷- مجوز فعالیت: گواهی‌نامه معتبر، حداقل رتبه ۵ در رشته راه و باند صادره از سازمان برنامه و بودجه کشور
۸- دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از محل دبیر خانه شرکت آتی‌ساز: از ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تا ساعت ۱۶:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱. به‌صورت لوح فشرده.
۹- تحویل پاکت اسناد ارزیابی کیفی و پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج" به‌صورت فیزیکی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ به دبیرخانه شرکت آتی‌ساز در قبال اخذ رسید تحویل شود. (صرفا اسناد خریداری شده)
۱۰- زمان و محل بازگشایی پاکت: ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵، در سالن اجتماعات شرکت آتی‌ساز.
۱۱- هزینه خرید اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد ۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰ (بیست میلیون ریال) است.
۱۲- شرکت آتی‌ساز در رد یا قبول هر یک و یا تمام پیشنهادها بدون اعلام دلیل مجاز است.
۱۳- پرداخت هر گونه عوارض و مالیات برعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۴- به پیشنهادهای مشروط و مبهم و پیشنهادهایی که با شرایط مندرج در آگهی اختلاف داشته و یا بعد از مدت مقرر واصل گردد مطلقاً ترتیب اثر نخواهد شد.
۱۵- مناقصه‌گزار مجاز خواهد بود مطابق شرایط قرارداد تا ۲۵ درصد از میزان کار را کاهش و یا افزایش دهد.
۱۶- هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

در صورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۰۹۰۰۳۰ داخلی ۳۰۵ تماس حاصل نمایید.